

کشتار غزه و دنیای پساغزه

جنگ نیابتی در غزه که با تقابل تروریستی حماس و تروریسم دولتی اسرائیل آغاز شد، تا کنون منجر به کشته شدن بیش از بیست پنج هزار انسان بیگناه و آوارگی نزدیک به دو میلیون نفر گشته است.

اعلان تداوم جنگ تا نابودی حماس، به مثابه هدف این جنگ توسط اسرائیل، به معنای عزم اسرائیل برای ادامه قتل عام مردم فلسطین و در نتیجه تحمیل کوچ اجباری بمنظور تغییر جغرافیای سیاسی منطقه است. پشتیبانی آشکار آمریکا و دول غربی از این کشتار تحت پوشش مخالفت با تروریسم از یکسو و صف آراییی طیفی از کشورهای آسیایی و آفریقایی در پشتیبانی از اقدام اتحادیه آفریقا در طرح شکایت از دولت اسرائیل در دادگاه لاهه به اتهام نسل کشی در غزه، نشانگر آغاز فصل جدیدی در حوزه حقوق و روابط بین الملل است. فصلی که در آن با تعمیق بحران سیاسی اقتصادی و ریزش تدریجی نظم بین الملل، نقش سازمان ملل از نهاد مرجع در روابط بین الملل به ابزار کشمکش در جنگ همه علیه همه بدل میگردد.

آمریکا و اروپا از یکسو اقدام به محکومیت تهاجم توسعه طلبانه روسیه به اوکراین کرده و به حمایت سیاسی نظامی از دولت دست نشانده اوکراین پرداخته و از سوی دیگر بدل به بلند گوی دفاع از دولت اسرائیل در قتل عام فجیع و کوچ اجباری میلیونها نفر در غزه گشته اند. انتقاد از استاندارد دوگانه سیاست خارجی و جنگ طلبانه آمریکا حال دیگر نه محدود به دول سرکش و تحلیلگران لیبرال، بلکه سر تیتیر بیانیه اجلاس دول متحد سابق آمریکا گشته است. تغییر صف بندی سیاسی دول متعدد جهان سرمایه داری و رنگ باختن کارکرد نهادهای حقوق و روابط بین الملل در اوضاع کنونی، در انطباق کامل با روند تباهی و فساد نظام پارلمانتریستی کشورها در سطح ملی قرار دارد. گستره این فساد سیاسی میرود تا کل صحنه سیاست، اقتصاد و فرهنگ سرمایه داری غرب در برگیرد.

اینچنین است که سیاستمداران دولت سوئد از یکسو میکوشند تا همچنان به عنوان پرچمداران انحصار اروسنتریستی بر علم و تمدن بشری، در مراسم های اهدای جوایز دستاوردهای علمی و صلح ظاهر شوند و از سوی دیگر کوس رسوایی سیاستهای راسیستی و کثیف این کشور در سراسر گیتی به صدا در آمده است. وجه دیگر این روند، عروج احزاب نئوفاشیست به صحنه قدرت در کشورهای اروپایی و غلبه میلیتاریسم بر فضای سیاسی این کشورها است. باز هم دولت سوئد، این مهد پیشین رفاه سوسیال دموکراسی، پیشگام ایجاد این فضای میلیتاریستی در اروپای شمالی گشته و رسماً سیاست بسیج جنگی و آماده سازی سوئد برای جنگ احتمالی با روسیه را در دستور کار قرار داده است. فضای سیاسی کشور سوئد و بالا آمدن گند راسیسم فرهنگی و علمی، همزمان با حمله همه جانبه به جمعیت غیر سفید که بخش اعظم طبقه کارگر این کشور را تشکیل میدهد، خصلت نمای اوضاع سیاسی کل اروپا است. اوضاعی که در آن حمله به سطح معیشت و زندگی طبقه کارگر و اعمال فشار بیشتر در سرکوب اعتراضات جاری محیط کار، اولین نتیجه و بازتاب آن است.

با گسترش جنگ نیابتی در غزه و کشانده شدن آن به عراق، سوریه و دریای سرخ از طریق قدرت نمایی نظامی ایران نشانه های ورود جهان سرمایه به دنیای هرج و مرج سیاسی، دنیای پسا غزه پدیدار گشته است.

دنیای پسا غزه، دنیای سقوط نهادهای حقوقی در روابط بین الملل و جانشینی قدری نظامی برای حل مناقشات مرزی است. مناقشاتی که تا کنون در پس نظم سیاسی حقوقی حاکم بر جهان سرمایه کتمان مانده بود، حال میرود تا با ریزش تدریجی این نظم سیاسی حقوقی شعله های جنگهای ملی و منطقه ای را گسترده سازد.

در دنیای پسا غزه نقش سازمان ملل از نهاد مرجع در روابط و حقوق بین الملل به ابزار کشمکش و باج گیری سیاسی تغییر میکند. دنیایی که در آن، قوانین و حقوق ناظر بر روابط بین الملل همراه با استخوانهای خرد شده بیش از بیست پنج هزار انسان در زیر تلی از اجساد در ویرانه های غزه مدفون گشته است.

دنیای پسا غزه، دنیای تلخت و تاز باندهای فاسد سیاسی و لابی های شرکتهای تولید ابزار جنگ و مرگ از ورای قراردادهای و پیمان های رسمی نظامی برای تدارک جنگهای محلی و مرزی است. دنیایی که در آن، مرز میان باندهای خلافکار و مجرم با گروههای سیاسی در کریدورهای قدرت به هم می آمیزند.

دوران پسا غزه دوران بدل شدن فرزندان طبقه کارگر این یا آن کشور به توپ دم گوشت ناسیونال فاشیستها و فاناتیکهای مذهبی خواهد بود. دوران ویران گری شهرها و نابودی زیرساختهای شهری این یا آن کشور به منظور باز شدن راه برای سرمایه گذاری جدید بر روی استخوانهای خرد شده کارگران و کودکانشان.

دنیای پسا غزه، دنیای سقوط آشکار نظام ارزشی و ایدیولوژیک دمکراسی سرمایه و پایان صف آرای دمکراتها در مقابل دیکتاتورها است. دنیایی که در آن دیکتاتورها و سپاه اندیشان تاریخ بدل به قهرمانان ضد نازیست و آنتی فاشیست میگردند و دمکراتها بدل به جنگجویان فاشیست و نژاد پرست.

دوران پسا غزه در عین حال، دوران بدل شدن مبارزه جاری و دایمی طبقه کارگر به موتور تحرک خیزشهای وسیع ضد سرمایه داری و ضد جنگ خواهد بود. دوران پاسخ تنها طبقه انقلابی عصر حاضر به بورژوازی هار و جنگ طلب و رانده شدن اعتصابات و اعتراضات کارگری به جبهه مقدم جنبشهای شهری و خیابانی.

در یک سوی دوران پسا غزه، اتحاد احزاب راست و چپ سرمایه و گسترش سایه شوم جنگ و کشتار قرار دارد و در سوی دیگر، طلوع عروج جنبش انترناسیونالیستی طبقه کارگر برای تسویه حساب تاریخی با جنایتکاران دمکرات و دیکتاتور این نظم جهانی.

بسوی کانونهای ضد سرمایه داری و ضد جنگ

علیه دولت خودی درگیر در یک سوی جنگ

بسوی سازمانیابی سیاسی جنبش کارگری

۲۹ دی ۱۴۰۲

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست